**باب هفتادم**

در نهی از معاشرت با اشرار و مظاهر شيطان

در کلمات مبارکه مکنونه ميفرمايند قوله تعالی:

"ای پسر من، صحبت اشرار غم بيفزايد و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد من اراد ان يأنس مع اللّه فليأنس مع احبّائه و من اراد ان يسمع کلام اللّه فليسع کلمات اصفيائه."

"زينهار ای پسر خاک، با اشرار الفت مگير و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسبان تبديل نمايد."

"ای پسر کنيز من، اگر فيض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زيرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشيده‌اند و قلب مردگانرا چون صبح صادق زنده و منير و روشن نمايند."

و در لوح ديگر ميفرمياند قوله تعالی:

"بسا از نفوس که خود را بحقّ نسبت داده و سبب تضييع امرالله شده‌اند اجتناب از چنين نفوس لازم...."

در لوح حکيم داود از قلم مرکز ميثاق جلّ ثنائه نازل قوله العزيز:

"ای بنده حقّ، مکتوب شما رسيد و بر مطلب اطّلاع حاصل شد. در خصوص معاشرت با ساير اديان سؤال نموده بوديد بنصّ کتاب اقدس عاشروا الاديان بالرّوح و الرّيحانست. مقصد از اين بيان آنست که اهل بهاء با هيچ طايفه غرض و مرضی نداشته باشند با کلّ بمحبّت حرکت نمايند و تنجيس ننمايند و اجتناب نکنند. و همچنين در الواح الهی ميفرمايند لا تکونوا مع الّذين قاسية قلوبهم عن ذکر اللّه از آن آيه مقصود اين نيست که با نفوسيکه در نهايت بغض و عداوتند و در غايت ضلالت و جهالت و جميع اذکارشان القاء شبهات و ارتياب در امر ربّ الآيات بقسميکه شب و روز بطعن مشغول و بالقاء شبهات مألوف و بغضشان ظاهر با آنها شب و روز مألوف شويد و معاشرت و الفت کنيد بلکه مراد معاشرت با نفوسی است که از آنها مضرّت حاصل نشود. مثلا بسيار ملاحظه شد که نفوسی در نهايت محبّت و انجذاب و روح و ريحان بوده با طبيعيّون و اهل فسق الفت و معاشرت نمودند بکلّی عاطل و باطل گشتند حتّی در ارض مقدّس يک دو جوان را پروتستانها بعنوان تعليم لسان بخانه خويش بردند و بعض اسباب نامشروع مثل معاشرت نسوان فراهم آوردند نزديک بود که بکلّی آنانرا بواسطه اين وسايل منحرف نمايند. اين عبد منع نمود بلکه از عکّا بجای ديگر فرستاد. در اينمقام لا تکونوا مع الّذين قاسية قلوبهم عن ذکر اللّه. با وجود اين ما کسی را منع نکرديم از معاشرت کسی جز اين قبيل ولی حضرات ناقضين منع کردند بلفظ ميگويند عاشروا الاديان بالرّوح و الرّيحان امّا بعمل طفل پنجساله را نميگذارند نزديک ما بيايد مگر نفوسی را که مطمئن هستند که در غلّ و بغضا بدرجه‌ای هستند ولو تأتيهم بکلّ آية لن يؤمنوا بها. ای بنده الهی اطفال را بايد از مجالست اقران سوء اهل نفس و هوی محافظت نمود زيرا سوء اخلاق سرايت نمايد و اين مانع از عاشروا الأديان نيست."

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح عمومی امريکا ميفرمايند قوله جلّ ثنائه:

".... جمالمبارک در جميع الواح و رسايل احبّای ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد باب منع فرمود که نفسی نزديکی بآنان نکند زيرا نفسشان مانند سمّ ثعبان ميماند فورا هلاک ميکند. از جمله در کلمات مکنونه ميفرمايد مصاحبت ابرار را غنيمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار. و خطاب باحبّاء ميفرمايد که معلوم آنجناب بوده که زود است شيطان در قميص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نمايد که احبّای جمال سبحان را بوساوس نفسيّه و خطوات شيطانيّه از صراط عزّ مستقيمه منحرف سازد و از شاطی قدس سلطان احديّه محروم نمايد. اين است از خبرهای مستوره که اصفياء را بآن آگاه فرموديم که مبادا بمجالست آن هياکل بغضيّه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جميع احبّاء اللّه لازم که از هر نفسيکه رائحه بغضا از جمال عزّ ابهی ادراک نمايند از او احتراز جويند اگر چه بکلّ آيات ناطق شود و بکلّ کتب تمسّک جويد الی ان قال عزّ اسمه پس در کمال حفظ خود را حفظ نمايند که مبادا بدام تزوير و حيله گرفتار آيند. اين است نصح قلم تقدير. و در خطاب ديگر ميفرمايد پس از چنين اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرايت کننده است و در خطاب ديگر ميفرمايد ای کاظم چشم از عالميان بپوش و ماء حيوان عرفانرا از يد غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شيطان مده چه که اليوم مظاهر شيطانيّه بر مراصد صراط عزّ احديّه جالسند و ناسرا بکلّ حيل و مکر منع مينمايند و زود است که اعراض اهل بيانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی. و در خطاب ديگر ميفرمايند بسيار در حفظ نفس خود سعی نمائيد چه که شياطين بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطريق او برآيند تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند. و در خطاب ديگر ميفرمايد هر نفسيکه از او غلّ غلام استشمام نمائيد از او اعراض کنيد اگر چه بزهد اوّلين و آخرين ظاهر شود و يا بعبادت ثقلين قيام نمايد. و همچنين در خطابی ديگر ميفرمايد ايمهدی جميع باينکلمات مطّلع شده از مظاهر سجّينيّه و مطالع نمروديّه و مشارق فرعونيّه و منابع طاغوتيّه و مغارب جبتيّه اعراض نمايند. و همچنين ميفرمايد قل ان يا احبّائی ثمّ اصفيائی اسمعوا نداء هذا الحبيب المسجون فيهذا السّجن الاکبر ان وجدتم من احد اقلّ من ان يحصی روائح الاعراض فاعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه تا آنکه ميفرمايد لانّهم مظاهر الشّيطان. و در خطابی ديگر ميفرمايد و بمنظر اکبر ناظر باشيد عنقريب روائح منتنه خبيثه بر آن ديار مرور نمايد انشاء اللّه در آن ايّام محفوظ مانيد. و همچنين ميفرمايد صحبت اشرار غم بيفزايد و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد من اراد ان يأنس مع اللّه فليأنس مع احبّائه و من اراد ان يسمع کلام اللّه فليسمع کلمات اصفيائه. و همچنين ميفرمايد با اشرار الفت مگير و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسبان تبديل نمايد. اگر فيض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زيرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشيده‌اند. و همچنين ميفرمايد رأس الذّلّة هو الخروج عن ظلّ الرّحمن و الدّخول فيظلّ الشّيطان ....." الخ

( اين لوح مبارک بسيار مفصّل و تمام آن راجع بهمين موضوع است)